

یادداشت

معادن را به کارگران واگذار کنید، تا مشکل همه حل شود!

صادق کار



صاحب معدن کرومیت آسمینون بیش از ۴۰ روز است که بزرگترین معدن کرومیت کشور را که برای تولید فولاد اهمیت اساسی دارد و بیش از ۷۰ درصد کرومیت مورد مصرف کشور را تامین می کند به دلیل اختلافی که بر سر مدت قرارداد های کاری با کارگران پیدا کرده تعطیل و از محل رفته است.

با بسته شدن معدن ۱۳۰۰ کارگر که سالهای متمادی در معدن کار می کنند، بدون دستمزد و بلا تکلیف به حال خود رها شده و مقامات دولتی نیز در این مدت اقدامی برای روشن کردن تکلیف کارگران و دستمزد آنان به عمل نیاورده اند.

خواسته های کارگران همگی قانونی هستند اما سرمایه دار صاحب معدن که این سرمایه ملی را از طریق رانت با قیمت نازل از آن خود نموده حاضر نیست حتی قوانین گوش و دم بریده کار در مورد حقوق کارگران را که آنها نیز سهمی از این ثروت ملی دارند رعایت کند.

مهمترین خواسته کارگران تغییر قراردادهای اسارتبار موقت سه ماهه و شش ماهه به قرارداد یکساله است که خود این خواسته کمتر از قانون کار است. کارگران سال گذشته توانستند با استفاده از اعتصاب این خواست را از کارفرما بگیرند و قرار نبود بعد از گذشت یک سال کارفرما دبه در بیاورد و زیر تعهداتش بزند، ولی زد و تا آنجا پیش رفت که برای تنبیه و مجازات کارگران و گرسنگی دادن به آنان معدن را که گویی ارث و میراث اجدادی اش شده تعطیل کرد و ناپدید شد. چرا که دوباره قراردادهای سه و شش ماهه را به کارگران داد تا امضا کنند، کارگران امضا نکردند و از او خواستند به تعهدی که در سال گذشته با میانجیگری مسئولین دولتی داده عمل کند.



این است نتیجه واگذاری ثروت های عمومی به بخش به اصطلاح خصوصی. بخشی که ثروتهای کشور را تصاحب می کند ولی حاضر به رعایت حداقل های قانونی بخشی از سهامداران ثروت های طبیعی که از آن همه مردم است و بایستی همه مردم سهمی از آن داشته باشند نیست. چه کسی مستحق تر از مردم ساکن محل معدن و کارگرانی که معدن را استخراج می کنند هستند؟ مسلما هیچ کس!

مالک معدن سال گذشته هم همین کار را می خواست با کارگران انجام دهد که موفق نشد ولی امسال با وجود تعهدی که به کارگران و مقامات محلی داده بود بهمین راحتی زیر تعهداتش زد.

بزرگترین دروغ این است که بگویند استخراج با صرفه نیست. استخراج با صرفه و بسیار هم با صرفه است و افزودن بر دستمزد کارگران تنها اندکی سهم کارفرما از ارزش افزوده را متعادلتر می کند و زندگی کارگر را بهتر. منتها سرمایه داری نوپا و رانتی بعد از انقلاب که سرمایه خود را از چنگ اندازی بر ثروتهای طبیعی به بهای نازل بواسطه نفوذ در حکومت به کف آورده پایبند به هیچ اصول و قانونی نیست و به کارگر به مانند بردگان خود می نگرد. حکومت نیز که در واقع این جماعت حریص و پر اشتها و بی رحم و ظالم را نمایندگی می کند از طرق مختلف و با استفاده از اهرم های سیاسی حکومتی مشوق سرمایه داری رانتی و رفتارشان با کارگران است.

چرا که هنگام واگذاری ها یا تعهدی از مالکان نو کیسه که بدون استثنا از خودی های رژیم هستند یا تعهدی برای رعایت قانون کار نمی گیرد و یا اگر هم می گیرد عامدانه بر آن نظارت نمی کند.

برای همین است که ۴۰ روز است هیچ اقدامی برای بازکردن معدن و وادار کردن کارفرمای متخلف و زورگو به پرداخت حقوق کارگران نکرده است.

مسلم است که کارفرما بدون داشتن پشت گرمی در حکومت جرات چنین رفتاری را نمی داشت. دولتی که محل کسب و کار کاسبان خرده پا را بخاطر نپذیرفتن سیاست قیمت گذاری زورمندانه دولت پلمپ می کند، چگونه است اقدامی علیه تخلفات و رفتار قانون شکنانه کارفرمایان رانتی بزرگ که کارگران را بخاطر حق خواهی به مجازات دسته جمعی محکوم می کند به عمل نمی آورد؟

مشکل مسلما بخاطر نداشتن چاره نیست. راه حل و چاره کار در این است که مالکیت معدن آسمینون و همه موارد همانند لغو و مالکیت معدن بصورت تعاونی در اختیار کارگران و کارکنان قرار گیرد تا هم منابع طبیعی کشور از انحصار عده محدودی که فقط در پی افزایش سود و ثروت های خود هستند خارج شود و به صاحبان واقعی آنها عودت داده شوند هم زندگی کارگر از زیر خط فقر بیرون کشیده شود و با اراده یک مالک این همه خسارت و زیان به جامعه تحمیل نشود مالکیت منابع طبیعی باید در اختیار مردم بماند و نباید خصوصی و به انحصار اشخاص درآید!

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!



برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریه‌ها و تجربیات عملی بخش دهم بخش یازدهم و پایانی

فاضل کیوب



کارگران برنامه دهم تاسیسات، در حال تلاش برای بحث درباره خشک

تضمین اشتغال در عمل – ادامه برنامه ملی برای تضمین اشتغال روستائی در هند

در تاریخ ۵ سپتامبر سال ۲۰۰۵ پارلمان هند قانون "برنامه ملی برای تضمین اشتغال روستائی (پ.م.ت.ا.ر.) را از تصویب گذراند. این قانون اشتغال صد روز در سال را در پروژه های عمومی برای یکی از نان آوران هر خانوار در ۲۰۰ منطقه از ۶۰۰ منطقه در هند تضمین می کرد و مقرر می داشت که در خلال ۵ سال این برنامه تمام ۶۰۰ منطقه را پوشش دهد. معمار اقتصادی برنامه پ.م.ت.ا.ر. ژان درزه (Jean Drèze) از اعضای مجمه مشورتی ملی است. درزه تخمین می زند که تضمین ۱۰۰ روز اشتغال سالانه برای خانوارهای فقیر در هند، به نرخهای سال ۲۰۰۵، ۴۰۰ میلیارد (۴۰ هزار کرو) روپیه، برابر ۱/۳ درصد تولید ناخالص ملی هزینه خواهد داشت. از زمان اجرائی شدن برنامه، انتظار این بوده است که تعداد خانوارهای فقیر کاهش و تولید ناخالصی ملی افزایش یابد، برنامه توسعه یابد، به نحوی که متضمن اشتغال برای هر کارکن بالغ به جای یک نفر در هر خانوار گردد، یا آن که سقف روزهای کار را از ۱۰۰ روز افزایش دهد. این برنامه بر ایجاد مشاغل کاربر در زمینه حفظ و احیای محیط زیست متمرکز است و کارهای عمومی مولد ثروت مثل توسعه حوزه آبخیز، بازیافت زمین، جلوگیری از فرسایش خاک و احیای مخازن را شامل می شود.

پ.م.ت.ا.ر. اولین گام به سوی یک برنامه تضمین اشتغال تمام عیار است. این برنامه برای تأمین نیازهای معینی در هند طراحی شده، از مرحله بندی دقیقی برخوردار است و به مدت ۵ سال با دیگر برنامه های عمومی از قبل موجود درآمیخته بود. انتظار ای بوده است که به یمن آن فقر روستائی محسوساً از میان برداشته شود، در عین حال که تولیدوری زمین و شرایط اقلیمی بهبود یابند. تجربه هند نشان می دهد الزامی نیست که برنامه های تضمین اشتغال به کشورهای ثروتمند محدود شوند، و این که کشورهای درحال توسعه نیز قابلیت اجرای سیاستهای اشتغال کامل را دارند.

تضمین اشتغال در فرانسه: قراردادهای انتقال حرفه ای

طرح خود را (Jacques Attali) در سال ۱۹۸۴، کمتر از دو سال قبل از انتخابات سال ۱۹۸۶، بود که ژاک آتالی برای تضمین اشتغال با فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه در میان گذاشت. میتران این ایده را می پسندید، اما سر در امور دیگری داشت و بنابراین هرگز بر این ایده مکث نکرد. طرح آتالی برای تضمین اشتغال دوباره در سالهای ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ در مقالات روزنامه ها سر برآورد. در این نوبت آخر بود که سرانجام



توجه مردم به این ایده جلب شد و برای اجرایی شدن جدی گرفته شد. اصل برنامه پیشنهادی مبتنی بر این ایده بود که انسانهای فاقد کار، که فعالانه در جستجوی کار اند، یا راسخ در فعالیتهای آموزشی و بهبود مهارت در بیرون از محدوده بازار کار شرکت می کنند، در واقع به یک فعالیت مفید اجتماعی اشتغال دارند. آنها به جای آن که از مزایای اجتماعی محروم، و علیرغم تلاشهای جدی شان در جستجوی شغل به دلیل نیافتن شغل مجازات شوند، مستحق دریافت پاداش اند.

، نخست وزیر وقت فرانسه، اعلام کرد (Dominique de Villepin) در دسامبر سال ۲۰۰۵ دومینیک دو ویلپین که یک پروژه نمونه آزمایشی از برنامه پیشنهادی برای تضمین اشتغال در ۶ منطقه به اجرا گذاشته خواهد شد. این برنامه آزمایشی در نخستین ربع سال ۲۰۰۷، قبل از آن که رسماً به طور سراسری به اجرا درآید، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. کارگران اخراجی از شرکت هایی با کمتر از ۳۰۰ کارمند واجد شرایط "قرارداد انتقال حرفه ای" خواهند بود. کارگران تحت پوشش قرارداد انتقال حرفه ای قراردادی را با یک آژانس دولتی عقد خواهند کرد که عملاً همان دستمزد نزد کارفرمای پیشین شان را تضمین خواهد کرد. این کارگران در شرکتهای خصوصی یا سازمانهای عمومی استخدام خواهند شد.

برنامه قراردادهای انتقال حرفه ای نه فقط "درآمد فعالیت" را برای آنان که فعالانه در جستجوی کار اند، تضمین خواهد کرد، بلکه برای گروه بیکاران غیرفعال نیز، علاوه بر گذاشتن دوره های آموزش شغلی برای تسهیل جابجایی به مشاغل جدید به دلیل ساختاری و تغییرات تکنولوژیکی، همچنین تأمین کننده "مربی فردی" خواهد بود.

هزینه برنامه قراردادن انتقال حرفه ای توسط شرکتهای بیمه بیکاری و شرکتهایی که از خدمات کارگران تحت پوشش برنامه استفاده می کنند، تأمین می شود، و در صورت نیاز دولت باقیمانده هزینه را تقبل خواهد کرد. در صورتی که همه بیکاران به یک باره وارد برنامه شوند، کل هزینه آن ۷۰ میلیارد یورو یا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی (۳ درصد برای درآمد فعالیت، ۰/۴ درصد برای برنامه های آموزشی و ۰/۶ درصد برای مربیگری فردی) برآورد شده است؛ یعنی برنامه ای هزینه تر از ۴/۲ درصد تولید ناخالص داخلی که هم اکنون صرف حقوق بیکاری و سایر برنامه های اشتغال می شود. برنامه قرارداد انتقال حرفه ای، مانند سایر طرح های تضمین اشتغال، برنامه ای با سیاست اشتغال کامل است که کسری و بدهی ملی را افزایش نمی دهد و فشار تورمی ایجاد نمی کند، زیرا بیمه بیکاری تماماً توسط کارگران و کارفرمایان تأمین می شود.

به برنامه تضمین اشتغال فرصت دهید

در طول تاریخ اقتصاد، و به ویژه پس از رکود بزرگ، هرگز در وجود طرحهای تضمین اشتغال کم و کسری نبوده است. در این مدت هر زمان به طرحهای تضمین اشتغال فرصت داده می شده، این طرحها با موفقیت همراه بوده اند. اما مخالفتهای سوداگران، بی سازمانی کارگری، عدم حمایت سیاسی، و درک نادرست از عملکرد مالی دولت بزرگترین موانع برای حفظ اشتغال کامل در جوامع سرمایه داری بوده اند. سیاستهای اشتغال کامل در ایالات متحده، سوئد و آرژانتین نشان می دهند که طرح های تضمین اشتغال می توانند سطوح بالائی از اشتغال را بدون ایجاد تورم شتاب دهنده عرضه کنند. در حال حاضر هند و فرانسه به اجرای طرحهایی مشغول اند که متناسب با ویژگیهای سازمانی خاص آنها طراحی شده اند. سیاست تضمین اشتغال، مثل هر سیاست دیگری، ممکن است مشکلات لجیستیکی داشته باشد، اما مزایای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی آن بسیار بیشتر از هزینه های آن - اعم از مالی و غیرمالی - است. در واقع همه کشورهای این یا آن طرح اشتغال در بخش عمومی را دارند که به نحوی به عنوان طرح تضمین اشتغال عمل می کند، اما این طرحها در اندازه و دامنه شان چندان محدودیت دارند (محدودیتهایی که خودشان بر خودشان تحمیل کرده اند یا از سیاست اجماع واشنگتن ناشی می شوند)، که تأثیرشان ناچیز است.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!



چاقوی مجلس سر می برد، اما دسته خودش را نه

صادق



آنطور خبرگزاری ایلنا خبر داده است، کلیات طرح موسوم به "ساماندهی استخدام کارکنان دولت" در نشست علنی ۵ تیر مجلس به تصویب رسیده است. به نوشته این خبرگزاری: "طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت که تقاضای اولویت آن در اجرای تبصره (۱) ماده (۱۰۰) آیین نامه داخلی مجلس در جلسه اول تیرماه به تصویب رسیده بود، مورد بررسی قرار گرفت و کلیات آن با ۱۹۴ رای موافق ۱۹ رای مخالف و ۶ رای ممتنع از ۲۳۰ آرای مأخوذه به تصویب رسید." با این حال طرح به پیشنهاد رئیس مجلس و تصویب نمایندگان برای بررسی دقیقتر به کمیسیون اجتماعی بازگردانده شد!

لازم به ذکر است که طرح های مشابه زیادی تا کنون در مجالس مختلف به تصویب رسیده اند، اما هیچ کدام به اجرا گذاشته نشده اند. به طور مثال می توان به طرح رتبه بندی معلمان و همسان سازی اشاره کرد که با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال پس از بارها تعدیل هنوز به اجرا در نیامده اند. بنا بر این تصویب هیچ طرحی لزوماً به معنی اجرا کردن آن نیست. خاصیت این گونه طرح ها برای حکومت در این است که در هنگام گسترش اعتراضات آنها را علم می کند و وعده اجرای شان را می دهد تا بوسیله آن به اعتراضات خاتمه دهد. وقتی که اعتراضات سرکوب شد و یا فروکش کرد دوباره این طرحها که به قانون تبدیل شده اند به آرشیو های مجلس و دولت باز گردانده می شوند.

این طرح پس از اعتراضات گسترده ای که در شرکت های پیمانکاری علیه فعالیت این شرکتها و کار پیمانی خاصه اعتصاب سال گذشته در ده ها شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی بطور همزمان انجام گرفت تهیه و از طرف برخی نمایندگان مجلس و وابستگان خانه کارگر به عنوان طرحی گویا رهایی بخش روی آن مانور زیادی داده شد و از آن بعنوان ابزاری برای پایان دادن به اعتصاب هم بهره گرفته شد.



هدف واقعی طراحان در واقع خاتمه دادن به اعتصابات همه روزه‌ای بود که در شرکت‌های پیمانکاری رخ می نمود و مهمترین خواسته همه آن اعتصاب ها لغو کار پیمانی و برچیدن بساط شرکت‌های پیمانکاری بود که روابط کارگر و کارفرما در آنها بی شباهت به روابط برده دار و برده نیست.

مقصود نمایندگان نیز برچیدن بساط شرکت‌های پیمانکاری و کار پیمانی نبوده و نیست، که اگر بود هر روزه چند شرکت پیمانکاری تازه مثل قارچ در رشته های شغلی مختلف نمی روئید.

پیمانکاران از این بابت خیالشان آسوده است چون می دانند چاقوی مجلس قرار نیست دسته خودش را ببرد که اگر سر سوزنی احساس نا امنی از بابت این طرح می کردند عقل حکم می کرد که ذره‌ای تعدیل در برخورد به شدت استثمار گرانه و غیر انسانی خودشان با کارگرانی که با کار ارزان خود آنها را به ثروت هنگفتی رسانده‌اند بوجود می آوردند که نیاورند. رفتارشان را تعدیل که نکردند هیچ، بدتر هم کرده‌اند و شروع به گروگان گرفتن دستمزدهای کارگران شان هم نمودند. اینها نشانه‌هایی هست که به ما می گویند، این طرح ولو اینکه به سلامت از هفت خوان مجلس و لابی های شرکت های پیمانکار که بسیاری از همین به اصطلاح نمایندگان با پول و کمک آنها به این مجلس صد درصد فرمایشی راه یافته‌اند، عبور و تصویب شود بهتر از طرح همسان سازی بازنشستگان و رتبه بندی معلمان نخواهد بود. بنا بر این فریب این ترفندهای استثمارگرانه و اغواگرانه را که خبرگزاری ایلنا و عوامل شوراهای اسلامی و خانه کارگر و امثالهم به راه انداخته‌اند را نخورند که از این مجلس هر چه تا کنون بیرون تراویده علیه حقوق، معیشت و رفاه کارگران و در خدمت تحکیم زنجیر اسارت آنان بوده است. و از یاد نبرند که همین جماعت بی شرم و حیا چه تبلیغات وسیع گسترده و فریبکارانه ای در دفاع از رئیسی به راه انداخت که حالا داریم نتیجه‌اش را با گرانی و تورم، فقر و سرکوب و فساد و غارتگری بیشتر ملاحظه می کنیم. فقط یک راه برای خلاصی از این همه فشار و استثمار و ظلم و ستم وجود دارد و تنها یک کس هست که می تواند زحمتکشانش تحت ستم را نجات دهد. خود زحمتکشانش، گسترش مبارزه سازمان یافته متشکل و متحد شدن در تشکلهای خود و بستن گوش و چشم بر تبلیغات مزورانه و گمراه کننده مزدوران حامی استثمارگران و مستبدین. راه و چاره‌ای آسانتر و موثرتر از این وجود ندارد. مجلس، دولت و تشکلهای حکومتی همه دستشان در یک کاسه است. وقتی دبیر کل خانه کارگر در وسط یورش گارد ویژه سرکوب به کارگران معدن مس سونگون و ورزقان که مهمترین خواسته شان لغو کار پیمانی و قرار دادی است محور فعالیت خانه کارگر را قرآن .. معرفی می کند و می گوید: ما باید نیروهای خود را کنار هم بگذاریم و قرآن را به عنوان محور و اساس در کارخانه‌ها و مؤسسات قرار دهیم. این باید در همه جا، جا بیفتد که همه چیز در کنار قرآن امکان پذیر است" و خبرگزاری ایلنا خبر این سرکوب را حتی منتشر هم نمی کند و بجای آن برای خالی نبودن عریضه این لایحه را که هنوز نه به دار است نه بهار چنان بزرگ می کند که گویی تحول بزرگی به نفع حقوق کارگر توسط مجلس ارتجاع در شرف وقوع است! در این خبرگزاری یکی پیدا نشد که بنویسد و بپرسد اگر مجلس این کشور به زعم این خبرگزاری کلیات لغو کار پیمانی را با این لایحه تأیید کرده است، دیگر چرا کارگران معدن مس و کرویت را که خواسته اصلی شان لغو کار پیمانی و قرارداد موقت است در یک جا با بستن ورودی معدن و در ورزقان با گسیل گارد ویژه مجازات و سرکوب می کنند.

چاقوی مجلس سر زیاد بریده و خواهد برید، اما دسته خودش را هرگز!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب و درگیری کارگران و با گارد ویژه سرکوب در معدن مس سونگون و ورزقان

در سومین روز دور دیگری از اعتصاب در معدن مس سمگون و ورزقان یگان ویژه سرکوب به محل تجمع کارگران اعتصابی به طرزی وحشیانه و به قصد بر هم زدن اجتماع و اعتصاب کارگران زحمتکش معدن که خواسته‌ای جز احقاق حق و حقوق پایمال شده خود ندارند هجوم آوردند و آنان را مورد ضرب و شت قرار دادند. اعتصاب در این معدن تازگی ندارد. در سال گذشته حداقل سه اعتصاب وسیع گزارش شده در این معدن با خواست افزایش دستمزد از طریق همسان سازی دستمزدها با دستمزد کارگران رسمی و کارگران منطقه، اجرای طبقه بندی مشاغل و تغییر قراردادهای اسارتبار موقت و پیمانی به رسمی انجام گرفت. آخرین اعتصاب که با میانجیگری مقامات محلی و وعده رسیدگی کارفرمایان پایان یافت کارفرمایان وعده رسیدگی داده بودند. ولی چون به آن متعهد نماندند کارگران دوباره مجبور به اعتصاب شدند. خواسته‌های کارگران همان خواسته‌های اعتصابات گذشته و بازگشت به کار دو تن از همکاران اخراجی هستند. در اعتصاب سال گذشته نیز ۶۰ کارگر به بهانه اتمام قرارداد های شان اخراج شده بودند که در اثر پافشاری کارگران مجبور شدند آنان را سرکار بر گردانند. یگان ویژه در اعتصاب سال گذشته هم در سرکوب اعتصاب به طرفداری از کارفرما نقش مهمی داشت. این بار نیز به نظر می رسد می خواهند با همان وسایل و ترفندها از تن دادن به خواسته های کارگران خودداری کنند. اما مشکل آنها این است که اوضاع نسبت به سال گذشته تغییرات زیادی پیدا کرده و کارگران هم در این مدت چیزهای زیاد و تازه‌ای آموخته اند و به راحتی گذشته فریب نمی خورند.

تعطیلی معدن برای مجازات کارگران و گرفتن امتیاز از دولت



معادن فاریاب با ۱۳۰۰ کارگر که بزرگترین معدن کرومیت کشور محسوب می شود یک ماه است که به اختیار کارفرما تعطیل و کارگران آن بلا تکلیف مانده اند. به گفته کارگران مالک معدن در نظر داشته قرارداد های کارگران با شرکت خودش را بهم بزند و کارهای معدن را به شرکتهای پیمانکار واگذار کند. اما چون کارگران قرارداد جدید مد نظر کارفرما را امضا نکرده و تن به تغییر قراردادهای خود نداده اند کارفرما هم برای اینکه ۱۳۰۰ کارگر خود را مجازات کند و هم از دولت امتیاز بگیرد معدن را تعطیل کرده و از محل معدن که در شهرستان منوجان کرمان قرار دارد رفته است. در این میان هیچ کس هم نیست که به موضوع رسیدگی کند و گویا یک توافقاتی هم از پیش میان مالک و مقامات دولتی برای فراهم کردن زمینه خواست صاحب معدن به عمل آمده است و صاحب معدن از این بابت نگران نیست. اگر نه بایستی یک مسئولی در این مدت پیدا می شد که دنبال قضیه را بگیرد.

ادامه اعتراضات روزانه بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان برای افزایش حقوق، همسان سازی و بیمه کارآمد رایگان همچنان به صورت روزانه در تعدادی از شهرها و مراکز استانها و فرمانداریها ادامه دارد. از سوی دیگر به رغم غیر قانونی تلقی شدن رفتار دولت نسبت به میزان افزایش حقوق بازنشستگان قالیباف از ارسال مصوبه مجلس در خصوص غیر قانونی بودن اقدام دولت خودداری می کند. در واقع میشود گفت تصمیم ندارند بیشتر از ۱۰ درصد حقوق بازنشستگان غیر حداقل بگیر را اضافه کنند اما چون اعتراض گسترده و روز افزوناست از اعلام تصمیم شان طفره می روند. بهمین جهت به نظر می رسد تنها شانس باقی مانده برای بازنشستگان غیر حداقل بگیر تشدید اعتراض و مبارزه است. خصوصا اینکه مخبر معاون اقتصادی رئیسی هم گفته می شود به شکل توهین آمیزی با افزایش حقوق بازنشستگان مخالفت کرده است. ظرفیت گسترش اعتراضات اما در میان بازنشستگان بالاست و شرایط طوری نیست که بشود خواسته های به حق آنان را نادیده بگیرند. در این هفته بازنشستگان کشوری در کرمانشاه نیز به اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی برای افزایش حقوق پیوستند و امکان اینکه سایر بازنشستگان کشوری هم وارد میدان مبارزه برای افزایش حقوق شوند بسیار بالاست. طرح شعار تازه ی "پیروزی در ایستادگی ست" در این هفته که همراه با شعارهای ضد دولتی و مطالباتی در چندین شهر طرح شد به روشنی روحیه و عزم بازنشستگان برای ادامه مبارزه تا رسیدن به خواسته هایشان را منعکس می کند.

تجمع مکرر کارگرانی که ۷ ماه حقوق شان را نداده اند

کارگران سد سفارود به خاطر پرداخت نکردن دستمزد طی ۷ ماه گذشته در رضوان شهر بار دیگر تجمع و خواستار پرداخت مطالبات مزدی خود از کارفرما شدند.

اعتصاب اینترنت ها در اعتراض به نگرش حقوق طی چهار ماه گذشته

پرداخت نکردن حقوق و دستمزدها محدود به کارگران نیست. پرستاران و کارکنان بخش درمان نیز تا کنون به کرات به همین خاطر اعتصاب و اعتراض کردند. در این اواخر متاسفانه تاخیر در پرداخت حقوق گروه های غیر کارگری خصوصا پرستاران و انترن ها بیشتر و طولانی تر شده است. اعتصاب این هفته انترن ها بخاطر ندادن حقوق طی چهار ماه گذشته که برای موسسات وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کار می کنند از نمونه های این پدیده است.

به خانواده معلمان و کارگران اجازه ملاقات با عزیزانشان داده نشد

به همسران کیوان مهتدی، آنیسا اسدالهی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، حسن سعیدی و رضا شهابی که ۱۵ تیر ماه برای ملاقات با همسران در بندشان به زندان مراجعه کرده بودند اجازه ملاقات داده نشد. گفتنی است که همسران زندانیان در بند که تعدادی از آنان در اعتصاب غذا بسر می برند به صورت دسته



جمعیتی برای ملاقات به زندان مراجعه کرده بودند. گزارشهای منتشر شده از وضعیت رضا شهابی و حسن سعیدی که در اعتصاب غذا به سر می برند بحرانی و خطرناک ارزیابی شده و همسران و خانواده های آنان نیز در بیرون زندان از لحاظ روحیه وضعیت چندان بهتری از عزیزان در بندشان ندارند.

اعتراض کارگران کارخانه رب گوجه هفت تپه

شکایت مالک پیشین کارخانه رب گوجه به دادگاه خوزستان و زمزمه بازگشت کارخانه به مالک اسبق موجب نگرانی کارگران و یک رشته اقدام و اعتراض از سوی کارگران شده است. کارگران در جریان تجمع اعتراضی ۱۵ تیر ماه خود خواستار تعیین تکلیف مالکیت کارخانه شدند. نگرانی کارگران از تغییر کاربری شرکت و تعدیل نیرو در صورت عودت کارخانه به مالک پیشین است. نگرانی کارگران البته نظر به روابط رانتهی حاکم بین نهادهای حکومتی و سرمایه داران پی جا نیست. بهمین جهت آنها خواهان واگذاری هفت تپه به شرکت توسعه نیشکر خوزستان هستند. گویا ۶ تن از کارگران نیز برای ملاقات با مسئولین ذیربط در این خصوص به تهران رفته اند. به هر حال کارگران نسبت به عواقب بازگرداندن کارخانه هشدار داده اند و از مردم شهر هم خواسته اند بواسطه اهمیت اقتصادی موضوع برای مردم شهر از کارگران حمایت کنند. بازگرداندن احتمالی در واقع نخسین گام در راه تکه تکه کردن هفت تپه و تقسیم آن است بهمین جهت کل کارگران هفت تپه نگران پیشرفت این روند هستند.

پس از ۲۰ سال انتظار در نوبت خانه تعاونی از خانه خبری نیست

اعضای تعاونی مسکن علوم پزشکی زنجان در ۱۳ تیر در اعتراض به تحویل داده نشدن خانه هایشان توسط تعاونی تجمع و خواستار تغییر هئیت مدیره و تسریع اتمام و دادن خانه های خود توسط تعاونی شدند. گفتنی است که وضعیت اکثر تعاونی های مسکن کارگری و کارمندی نیز به همین صورت است. علت اصلی طولانی شدن زمان ساخت ندادن مصالح لازم با قیمت مناسب از طرف دولت و دیگر امکانات شهری مانند آب و برق و غیره و همچنین گران شدن همه ساله مصالح ساختمانی و بی توجهی عمدی دولت به تعهدات قانونی اش در قبال تعاونی هاست.

تجمع کارکنان مخابرات ایلام

کارکنان مخابرات ایلام ۱۴ تیرماه در اعتراض به حذف آیتمهای مزدی عده ای از کارکنان با سابقه و کاهش حق جذب و توقف کمک های رفاهی اعتصاب و در مقابل دفتر مرکزی شرکت مخابرات تجمع کردند و خواستار پرداخت تمام مواردی شدند که از حقوق شان کسر و حذف کرده اند.

اخطار به اعتصاب در صورت تامین نشدن خواسته های کارگران پیمانی در صنعت نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت به نقل از منابع کارگری خود خبر از اعتصاب در شرکتهای پیمانکاری در صورت تامین نشدن خواسته های کارگران تا پنجم مرداد داده است. افزایش دستمزد، ۱۰ روز مرخصی ماهانه در ماه از مهمترین خواسته های کارگران است. گفتنی است که کارگران داریست بند از مدتی پیش در ۲۰ شرکت بخاطر خواسته های مشابه در اعتصاب بسر می برند

آخرین گزارش سندیکای واحد از وضعیت کارگران و معلمان زندانی

جلوگیری از ملاقات خانواده های تعدادی از کارگران و معلمان بازداشتی در سالن ملاقات زندان اوین، امروز پنجشنبه شانزدهم تیرماه در بیست و پنجمین و شانزدهمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی و حسن سعیدی



امروز پنج شنبه شانزدهم تیرماه، خانواده های رضاشهبابی و حسن سعیدی دو تن از اعضای سندیکا و رسول بداقی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی شعبان محمدی کیوان مهندی آنیشا اسدالهی، با وجود اینکه روز پنجشنبه، روز ملاقات بود و قرار بود اگر ملاقات نباشد طبق گفته های بازپرس به خانواده ها تلفنی خبر داده شود خانواده ها

وقتی به اتاق ملاقات رفتند، گفتند از سوی بازپرس حاج مرادی ملاقات ممنوع هستند و بازپرس و بازجو هم به مرخصی رفته و نیستند

و از آنجایی که خانواده ها همگی به عدم ملاقات با زندانیان اعتراض کردند گفتند تا بازپرس و بازجو حاضر نباشند نمیتوانند اجازه ملاقات بدهند

حدود دو ماه از بازداشت فعالان معلمان و اعضای سندیکا و مرتبطین با این پرونده ساختگی و سناریو سازی میگذرد و جعفر ابراهیمی سومین ماه بازداشت را میگذاراند اما همچنان بازجویی ها ادامه دارد و تعدادی از خانواده ها بیش از یک ماه است که از وضعیت زندانشان بی خبر هستند

رضا شهبابی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به ترتیب بیست و پنجمین و شانزدهمین روز اعتصاب غذایشان را امروز شانزدهم تیر ماه پشت سر میگذارانند و شرایط جسمانی هر دو وخیم گزارش شده است

مسئول بند ۲۰۹ زندان اوین اعتصاب غذای این دو فعال سندیکایی زندانی را تایید کرد و درمقابل فریاد نگرانی خانواده های اعتصاب کنندگان گفتند ما هرروز آنها را میبینیم حالشان خوب است.

از وقتی که شرکت خصوصی شد از طبقه بندی خبری نیست!

به نوشته خبرگزاری ایلنا ۵۷۰ نفر از کارگران کشت و صنعت میان آب شوش نسبت به به روز نشدن طبقه بندی مشاغل در این شرکت اعتراض دارند و خواهان بازبینی و به روز شدن طبقه بندی مشاغل و پرداخت کامل حق سنوات پرداخته نشده خود هستند. کارگران گفته اند تا پیش از خصوصی شدن شرکت در سال ۹۶ طبقه بندی مشاغل بازبینی و به روز می شد ولی بعد از خصوصی سازی بازبینی متوقف شد.

طبقه بندی مشاغل از جهات مختلفی برای کارگران اهمیت دارد. موجب افزایش دستمزد، حق سنوات و آئیم های مزدی می شود و از سوی دیگر سابقه کار کارگر در محل کار را که در مواردی چون اخراج و بازنشستگی به کار کارگر می آید ثبت و ضبط می کند. کما اینکه کارگران این شرکت هم اکنون تاثیر بازبینی نشدن طبقه بندی را در درآمد و بازنشستگی خود لمس می کنند.

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!



صدای معلمان، کارگران و زندانیان مدنی و سیاسی باشیم!

پیگرد و آزار و اذیت فعالین سندیکایی روز به روز بیشتر می شود و فشار بر فعالین برای دست برداشتن از پیگیری سازمانیافته مطالبات و حقوق شان تشدید شده است. با این همه مبارزه در پهنایی به وسعت ایران، در خیابان و کارخانه، مدرسه و زندان با قوت ادامه دارد.



تصویر همسران و بستگان چند تن از کارگران و معلمان زندانی که در انتظار گرفتن ملاقات با عزیزان در بند خو هستند



عکس تجمع اعتراضی کارگران معدن آسمینون

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>